

تاریخ وصول: ۸۶/۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۸۶/۹/۱۰

## «بررسی ویژگی‌های نوع تکاملی شعر عرفانی»

دکتر سیده مریم ابوالقاسمی<sup>۱</sup>  
استادیار دانشگاه شهید بهشتی

### چکیده مقاله:

نوع متعالی و تکامل یافته شعر عرفانی را در ادب فارسی به صورت «شعر مغانه و قلندری» می‌توان مشاهده نمود. اندیشه ملامتی، رندی و قلندری در تعالی ادب فارسی تأثیری انکار ناپذیر داشته است. از شعر قلندری به عنوان نقطه عطف و تأثیری مهم در شعر عرفانی می‌توان یاد کرد این تأثیر و نفوذ را باید هم از حیث مضمون و محتوای عالی انسانی و هم از جهت کاربردهای زبانی و بیانی آن در نظر گرفت. غزل قلندری با حکیم سنایی غزنوی (۵۲۹-۶۷۷ق) به صورت ملون و منسجم وارد قلمرو شعر فارسی گردید. اندیشه‌های رندی و قلندری در میان برخی از شاعران مدیحه سرا نیز رواج یافته بدون آنکه در آنان علائق و گرایش‌های خاص عرفانی وجود داشته باشد.

در این مقاله کوشش بر اینست تا از منظری نو و علمی وجوه صوری و معنوی شعر قلندری و همچنین انگیزه‌های اجتماعی پیدایش آن مورد نقد و بررسی قرار گیرد. بیان نوآوری‌های زبانی و واژگانی شعر قلندری در سطح کاربرد اصطلاحات و ترکیبات خاص، از اهداف دیگر این مقاله است.

### کلید واژه‌ها:

شعر قلندری، ملامتیه، شعر عرفانی، حکیم سنایی، رند و قلندر.

---

1- [m.Abolghasemi@Fbu.Ac.ir](mailto:m.Abolghasemi@Fbu.Ac.ir)

## پیشگفتار

عرصه تجلی افکار عرفانی در شعر فارسی از دوره غزنویان تا تیموریان است. شعر عرفانی فارسی در ابتدای پیدایش و رشد خویش بیشتر جنبه عشق و ذوق و حال داشته و عبارت بوده از رباعیات و قطعات کوتاهی که با شور و وجد و اشتیاق در خانقاهها و گاه زاویه‌ها بر سر زبان مشایخ صوفیه جاری بود که از آن جمله می‌توان به قطعات خواجه عبدالله انصاری (م ۴۱۸ق) و نیز رباعیات باباطاهر همدانی (م ۴۱۰ق) اشاره کرد. در طی فاصله پنج قرن عالی‌ترین مضامین و موضوعات عرفانی و اندیشه‌های متعالی انسانی و اخلاقی و تربیتی به وسیله شاعران اندیشمند به رشته نظم کشیده شد. شعر عرفانی به صورت رسمی و نظام یافته با حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی (۵۲۹-۶۷ق) آغاز گردید. او به صورت مدون، تحقیق و زهد و موعظه را در قالب قصیده و غزل وارد قلمرو ادب فارسی نمود. در پایان قرن ششم و آغاز قرن هفتم شیخ فرید الدین عطار (۶۲۷-۵۵۳ق) با مثنوی‌های شورانگیز و آموزنده خویش شعر عرفانی را از حیث صورت و سیرت توسعه و تکامل بخشید. وجود سنایی و عطار مقدمه‌ای بر ظهور عارف و متفکر توانا و نابغه بزرگ قرن هفتم، مولانا جلال الدین بلخی (۶۷۲-۶۰۴ق) بود. او در طرح مباحث عرفانی و ایراد تمثیلات آموزنده و بیان معانی دشوار عرفانی و نتیجه‌گیری و استنباط از آنها بی‌تردید شخصیتی استثنایی به شمار می‌رفت.

عرفان ایرانی با زهد آغاز گردید و بعدها در مسیر خویش به صورت «تصوف» راه خود را پیمود و سپس نمود متعالی و تکامل یافته آن در ادب فارسی به صورت «شعر قلندری و مغانه» جلوه کرد.

زهد ← تصوف ← قلندریات

در اشعار عرفای بر جسته ما، این سه مرحله مخصوصاً قلندریات یا شعر مغانه و رندانه جلوه خاصی دارد. با اندکی دقت و امعان نظر می‌توان دریافت که قلندریات (شعر قلندری) نوع تکاملی و متعالی شعر عرفانی محسوب می‌گردد.

معمولاً مضامین عرفانی و قلندری در شعر فارسی در قالب «غزل» تجلی پیدا کرده است و گویا شاعران این قالب را مناسب‌ترین و دلپذیرترین شکل برای بیان اندیشه‌های عرفانی خود می‌دانسته‌اند. عرصه ظهور غزل عرفانی نیز معمولاً در سبک عراقی است و آثار عرفای بزرگ ما غالباً در این سبک بیان شده است. از حیث زبانی و بیانی نیز شعر عرفانی موجب تحولاتی در شعر فارسی گردید زیرا بیان هر مفهوم و مضمون تازه‌ای به واژه‌ها، ترکیبات، عبارات و اصطلاحات خاصی نیاز دارد. ظهور مفاهیم عرفانی و قلندری در شعر فارسی با ورود تعبیر و اصطلاحات تازه‌ای همراه بوده است تعدادی از این کلمات، واژه‌هایی هستند که از آنها به عنوان اصطلاحات درجه اول عرفانی یاد می‌کنند؛ مانند رضا، توکل، توبه ... و پاره‌ای دیگر اصطلاحات و واژه‌هایی هستند که نسبت به کلمات گروه اول، درجه دوم و سوم محسوب می‌شوند و به گونه‌ای با مفاهیم و موضوعات عرفانی رابطه‌ای مستقیم دارند؛ مانند ریا، کبر، حسد، آه، درد، ناله و... این گونه اصطلاحات با گسترش و نفوذ و نمود عرفان در شعر فارسی از قرن ششم به تدریج رواج یافت و فزونی گرفت، در این میان برخی از کلمات و اصطلاحات مانند بت، زنار، خرابات ... که دارای معانی رمزی و سمبلیک هستند به وسیله شعر قلندری وارد قلمرو ادب فارسی شده است.

در این جستار از منظری دقیق و علمی درباره اهمیت و ارزش شعر قلندری به عنوان نمونه تأثیرگذار و تکامل یافته شعر عرفانی و جنبه‌های گوناگون صوری و معنوی آن و همچنین انگیزه‌ها و دلایل اجتماعی پیدایش چنین تفکری در عرصه شعر عرفانی به بحث و بررسی خواهیم پرداخت. در این مقاله ضمن بررسی و تحلیل نمونه‌های شعر قلندری در اشعار شاعران قرون مختلف، توفیق آن حاصل گردید که به مطالعه و تأمل در دیوان و اشعار آن دسته از شاعران قلندر مسلکی بپردازیم که در کمتر کتاب و تذکره‌ای نام و نشانی از آنان به جای مانده و تنها دیوان اشعار آنها به صورت نسخه خطی یا چاپ سنگی در گوشه و کنار برخی از کتابخانه‌ها یافت می‌شود، این مقاله گامی کوچک در جهت معرفی و زدودن غبار گمنامی از چهره این دسته از شاعران نیز می‌باشد.

### شعر قلندری و رابطه آن با تفکر ملامتی

از شعر قلندری به عنوان تحوّل مؤثر در ادب فارسی می‌توان یاد کرد این تحوّل و تأثیر را باید هم از حیث مضمون و محتوا و هم از جنبه کاربردهای زبانی و بیانی آن در نظر گرفت. از مطالعه و بررسی اشعار قلندری می‌توان دریافت که «قلندریات» به اشعاری گفته می‌شود که موضوع و مضمون آن کاملاً مخالف با مضامین اشعار زاهدانه است، موضوعاتی که غالباً بر محور بی‌علاقگی به دنیا، لایبالی‌گری، بی‌پروایی، تعرض به پارسایان و زاهدان استوار است و حتی از نظر کاربرد اصطلاحات و کلمات نیز ویژگی خاصی دارد.

«نزد شعرا آن است که شاعر در شعر، مخالف عرف و عادت آرد و ترک مبالغت کند هر چه از آن احتراز شاید بر آن اقدام نماید و از اوصاف اهل صلاح و تقوا عار کند بل ظاهر شریعت را مخالفت از کمال و موجب ترقی انگارد،

انسا عاشق و الالم عندی دواء الغنی فقر و الراحه کلها بلاء،  
اذا کان العاقل یفر من الالم و البلاء فذاک هما مطلوبی فاین من یعطیه<sup>۱</sup>

اشعار قلندری همواره نماینده روش «ملامت» است که مورد توجه و سلوک ملامتیان بوده، پیروان این روش کرامات، وجد و شور و حال خود را پنهان می‌کردند. برخی از محققین معتقدند «شاید بهتر باشد قلندریات را نام مجموعه‌ای از صور خیال بدانیم که در موضوع ملامت به عنوان یکی از عناصر اصلی عشق به کار می‌رود»<sup>۲</sup>

این نکته نشانگر ارتباط بین تفکر قلندریه و ملامتیه و حتی نشأت گرفتن زیربنای طرز تفکر قلندریه از ملامتیه است.<sup>۳</sup> در محتوای بسیاری از اشعار قلندری می‌توان دقیقاً زیربنای تفکر ملامتی را به وضوح مشاهده نمود. ملامتیه به دلیل اختلاف مشربی که بعدها با صوفیه زمان خود داشتند به عنوان گروهی که اعمالشان ضد صوفیان بوده اطلاق می‌شدند، ملامتیه معتقد بودند که عبودیت خاص پروردگار است بنابراین باید اعمال خویش را پیش چشم

۱- کشاف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۱۳۴۱.

۲- شعر صوفیانه فارسی، ص ۱۰۴.

۳- ر.ک. عفیفی، الملامتیه و الصوفیه و اهل الفتوه، ص ۳۳۷ و فروزانفر، شرح مثنوی شریف، ج ۲، ص ۷۳۴ و

زرین کوب، جستجو در تصوف ایران، ص ۳۵۹.

مخلوق ظاهر نکنند و به عمل و نظر مخلوق نیز توجهی نداشته باشند. دوری از ریا و نفاق رکن اصلی تعلیمات ملامتیان بوده است، بدگمانی در حق نفس، گام اول و شرط لازم و بایسته در مسیر معرفت حق و حسن ظن به اوست. این گروه از حیث پوشش ظاهری نیز با زاهدان و پشمنیه پوشان عصر تفاوت داشتند و خود را بیشتر با عامه مردم شبیه می‌نمودند، شیخ ابوسعید با زبانی نغز و گیرا این گروه را بدینصورت توصیف کرده: «لامتی این باشد که در دوستی خدای هر چش پیش آید، باک ندارد و از ملامت نه‌اندیشد، پنداشتی در وی پدید آید که من می‌دوست دارم. در آن نیز یک چند برود از آن نیز بتراید و بنه‌آساید، نیارآمد و بدانند که خداوند او را دوست می‌دارد که او را بر آن می‌دارد تا خداوند را دوست دارد و بدانند که خداوند بازو فضل می‌کند.»<sup>۱</sup>

در برخی از کتب عرفانی نیز عیاری، ملامتی و قلندرسیرتی از ویژگی‌های مهم مرید شمرده می‌شود و ملامتی و قلندری مترادف یکدیگر به شمار می‌آیند.<sup>۲</sup>

بنابراین می‌توان استنباط نمود که فرقه قلندریه جنبشی است که بعد از ظهور ملامتیه پا به عرصه وجود نهاد؛ زیرا هسته و محور اصلی اعتقادات قلندریه را همان اندیشه‌های ملامتیه تشکیل می‌داد که به اصل احتراز از «ریا و تظاهر» بسیار پایبند بودند با این تفاوت که بعدها با تندروی‌ها و احیاناً انحرافات همراه بوده است. در حقیقت می‌توان گفت که قلندریه جناح تندرو و افراطی ملامتیه است که به قانون شکنی و ترک هنجارها و آداب اجتماعی شهره‌اند. این گروه با وجود شباهت‌هایی با ملامتیه ویژگی‌های خاصی نیز داشتند که از ملامتیه و حتی صوفیه کاملاً قابل تشخیص و تفکیک بودند، قلندریه قیدی به هیأت و لباس مخصوص نداشتند و نیز اهمیت نمی‌دادند که سایرین بر حال او واقف باشند یا نه، صفت «لاابالی» به تمام معنی در مورد آنها صدق می‌کرده، بسیاری از بزرگان صوفیه در تعاریف خود از قلندریه این فرقه را «متشبهه محق» به ملامتیه می‌دانند. قلندریه از نظر اعتقاد به عدم ریا با ملامتیه شباهت دارند اما تفاوت‌شان در اینست که ملامتی به تمامی فضایل و نوافل تمسک می‌جوید ولیکن آن

۱- اسرارالتوحید، ج ۱، ص ۲۸۸.

۲- ر.ک. رازی، مرصاد العباد، ص ۲۶۰.

را از نظر خلق پنهان می‌دارد اما قلندری از حدّ فرایض در نمی‌گذرد و به اظهار و اخفاء اعمال از نظر خلق مقید نمی‌باشند.<sup>۱</sup>

### زمینه‌های اجتماعی ظهور شعر قلندری

تحولات اجتماعی را در گسترش و توسعه اندیشه‌ها نباید فراموش نمود. رواج و پذیرش سریع تصوّف در قرن هفتم ریشه در مسائل اجتماعی و سیاسی آن دوره نیز داشته و یکی از عوامل آن شکست ایرانیان در مقابل حمله خانمانسوز مغول بوده که ایرانیان به دنبال عامل التیام دهنده و آرام بخشی می‌گشتند تا بر روحیه شکست خورده و مجروح خود مرهمی گذارند بنابراین پناه بردن به امور معنوی، روحانی و درونی و بازتاب آن در ادب فارسی را می‌توان زاینده شرایط مناسب اجتماعی نیز دانست و اصولاً یکی از ویژگی‌های بارز شعر عرفانی، صمیمیت آن با جامعه و مردم است یکی از محققین معتقد است: «اگر کهن‌ترین اثر غزل تصوّف به زبان فارسی را با اثر همانند آن در ادبیات عرب بسنجیم بی‌درنگ تفاوت بزرگ آنها را در می‌یابیم. غزل تصوّف فارسی به آثار توده‌مردم بسا نزدیک‌تر است و در آن بیشتر از منظومه تکامل یافته و درخشان اما سرد صوفیان عرب به احساسات توجه شده است این جنبه ترانه‌ای غزل فارسی و گرمی و صداقت و صمیمیتی که در آن به چشم می‌خورد ویژگی خاص آن است که در تمام طول تکامل آن تا نزدیک‌ترین زمان‌ها به چشم می‌خورد.»<sup>۲</sup>

شعر قلندری هم که نمونه تکامل یافته شعر عرفانیست ریشه در زمینه‌های اجتماعی دارد. عرفای متفکر روزگار با مشاهده دردها و ناهنجاری‌های جامعه و با ابزار برنده و مؤثر شعر تصویرگر بسیاری از دردها و نارسایی‌های روزگار خود بودند، مشاهده ریا و تزویر، دورویی و انحرافات که به وسیله صوفیان ریاکار و زاهد پیشه به وجود آمده بود و قوانین دست و پاگیر و خشک مذهبی موجب گردید که شعر قلندری در جامعه ایرانی به عنوان «شعر اعتراض» سر به درآورد، در واقع این نوع شعر محصول شک شاعر است که از جمله عوامل ایجاد آن مسلماً مسائل اجتماعی بوده است زیرا مظاهر شریعت و تصوّف به جای آن که ابزار تعالی و تکامل آدمی باشد دام زرق و ریا را برای عده‌ای گسترده بود. در واقع شعر قلندری با مظاهر دروغین

۱- ر.ک. کاشانی، مصباح الهدایه، ص ۱۲۱؛ سهروردی، عوارف المعارف، ص ۳۰.

۲- تصوّف و ادبیات تصوّف، ص ۷۶.

و ریاکارانه در تضاد است نه با مفهوم واقعی شریعت و تصوف. در شعر قلندری هر قاعده و قانونی حتی قواعد تصوف نیز به باد استهزاء گرفته می‌شود، شعر قلندری عکس‌العمل اعتراض‌آمیز انسانی آرمان‌جو و آزادی‌طلب، روشن بین و واقع‌نگر نسبت به قواعد دست و پاگیر و ریاکارانه‌ای است که با هیچ منطق و استدلال انسانی مطابقت نمی‌کند و مسلماً موجب کمال آدمی نمی‌گردد.

از آن جا که محتوای شعر قلندری کاملاً عرفانی است و در بافت و چهارچوبی عرفانی مطرح می‌گردد و ازدریچه‌ای تازه دست‌ساز را گرفته و او را به سوی کمال مطلق هدایت می‌کند بسیاری از واژه‌ها و کلمات در شعر قلندری جنبه سمبلیک و رمزی به خود گرفته و لباس استعاره به تن کرده‌اند.

### ویژگی‌های شعر قلندری

اشعار قلندری را می‌توان هم از حیث ویژگی‌های صوری و ظاهری و هم از جنبه محتوا و موضوع مورد نقد و بررسی قرار داد.

#### ۱. ویژگی‌های صوری اشعار قلندری

از مهمترین جنبه‌های صوری اشعار قلندری، فرم و قالب و همچنین ویژگی‌های زبانی و واژگانی این گونه اشعار است که به نقد و بررسی هر یک از آنان خواهیم پرداخت:

#### الف - قالب و فرم در اشعار قلندری

موضوعات قلندری را در اکثر قالب‌های شعری می‌توان مشاهده نمود اما رایج‌ترین، دلنشین‌ترین و شیواترین قالب برای بیان موضوعات و مضامین قلندری «غزل» است. در واقع این موضوع در این قالب بسیار خوش‌درخشیده و گویی که جلوه بهتری داشته است. در غزل‌های قلندری، شاعر آزادانه قادر بوده از زبان رندی لابلالی یا مستی تارک دنیا و یا شوریده‌ای، حقایق و مسایلی را که خود جرأت ابراز آن را نداشته، بیان کند در برخی از غزل‌ها شاعر به میخانه رفته و ترسابچه و یا مغ بچه‌ای او را مورد خطاب قرار داده و زهد ریایی و پارسایی دروغین او را مذمت نموده و از او درخواست کرده تا با شراب ناب، خودخواهی‌های ناشی از زهد را شستشو دهد گاهی نیز شاعر سیر روحانی خود را از مسجد و صومعه تا دیرمغان به وصف کشیده و ماجرای زنار بستن خود را با زبانی نافذ و پر تأثیر توصیف کرده

است مانند غزلیات قلندری سنایی و عطار و مولانا و بسیاری دیگر از شاعران قرنهای ششم تا نهم هجری که قلندریات آنها در قالب غزل تجلی نموده است.

در غزلیات قلندری شور و جنبش خاصی وجود دارد این نوع غزلها عموماً دارای وزنهای پر تحرک و متنوع هستند، سادگی و بی پیرایگی از جمله ویژگیهای بارز غزلیات قلندری است. در این گونه غزلها، واژه‌ها و کلمات عموماً ساده و قابل فهم هستند و صور خیال در آنها از پیچیدگی چندانی برخوردار نیست و صنایع بدیعی در آنها در حد اعتدال استفاده شده است از نمونه‌های شاخص و بارز غزلهای قلندری می‌توان از قلندریات حکیم سنایی یاد نمود:

ساقیا برخیز و می در جام کن	در خرابات خراب آرام کن
آتش ناپاکی اندر چرخ زن	خاک تیره بر سر ایام کن
صحبت زنار بندان پیشه گیر	خدمت جمشید آذر فام کن
بامغان اندر سفالی باده خور	دست بازردشتیان در جام کن
چون ترا گردون گردان رام گشت	مرکب ناراستی را رام کن
نام رندی بر تن خود کن درست	خویشتن را لایبالی نام کن <sup>۱</sup>

در غزلیات قلندری مولانا نیز وزنهای عروضی پرتحرک و متنوع بسیاری به چشم می‌خورد. مولانا در غزلهای خویش مقام قلندری را توصیف کرده و به اعتقاد او قلندر از اشیاء مادی فارغ است و به آنها توجهی ندارد اما هرگز از حقایق و اسرار حق، فارغ نیست:

گفتم به قلندری که بنگر	کان چرخ که شد دو تاچه دارد
گفتا که فرا غتیست ما را	کو خود چه کس است یا چه دارد <sup>۲</sup>

استاد غزل سعدی (۶۹۰-۶۰۶ق) در غزلیات خویش تحت تأثیر اندیشه‌های عرفانی بوده و بدیهی است که تفکرات ملامتی و قلندری نیز در غزلیات او راه جسته باشد. سعدی طریق و مسلک قلندریه را ستوده و زهد ریایی را محکوم کرده است و به تأسی از روش ملامتیان به

۱- دیوان اشعار سنایی، ص ۹۸۱.

۲- کلیات شمس، ج ۲، ص ۹۳، نیز ج ۳، ص ۱۲۴.



صراحت از پارسایی توبه کرده، به اعتقاد او زمزمه قلندران بسی مؤثرتر از پند حکیمان و زاهدان است:

برخیز تايكسو نهم اين دلّق ازرق فام را      برباد قلاّشي دهيم اين شرک تقوا نام را  
هر ساعت از نو قبله‌اي بابت پرستی می‌رود      توحيد برما عرضه کن تا بشکنيم اصنام را...  
سعدی ملامت نشنود و در جان درین سر می‌رود      صوفی گرانجانی ببر، ساقی بیاور جام را<sup>۱</sup>

سعدی در برخی از غزلهای خویش به صراحت واژه قلندر را به کار برده:

روی گشاده‌اي صنم، طاقت خلق می‌بری      چون پس پرده می‌روی، پرده صبر می‌دری...  
پند حکیم بیش از این در من اثر نمی‌کند      کیست که بر زند یکی زمزمه قلندری<sup>۲</sup>

خواجه شرف‌الدین بوعلی قلندر (۷۲۴-۶۵۲ق) از جمله غزلسرایان قلندر مسلک قرن هفتم هجریست و با وجود آنکه اثری به نام «کلام قلندری» از وی برجای مانده که مجموعه اشعار به خصوص مثنویات او را در برمی‌گیرد اما در کتب تاریخ ادبیات و تذکره در ردیف شاعران پارسی گوی از او اصلاً ذکری به میان نیامده است. مجموعه اشعار و غزلهای او در حیدرآباد دکن چاپ سنگی شده، در دیوان او افکار قلندری تجلی بارزی دارد:

دیهیم خسروان بر ما نعل استراست      خسرو کسی که حلقه تجرید را سراست  
سیمرغ وار روی نهفتم به قاف عشق      کز هر دو کون دانه روح نه در خوراست...  
ماییم و کوی عشق و خرابات بیخودی      وین رسم و سیرت است که خاص قلندراست<sup>۳</sup>

محمد شیرین مغربی (۱۰۹۹-۷۵۰ق) از جمله شعرا و عرفای تقریباً گمنامی است که البته آن گونه که شایسته بوده تحقیق و معرفی درخوری در مورد ایشان صورت نگرفته، از او غزلیات پرمفهوم و نغزی بر جای مانده، اوذهنی قوی و زبانی شیرین در بیان انواع موضوعات عرفانی داشته است در نفحات الانس وی را مرید شیخ اسماعیل سیسی دانسته‌اند و می‌گویند که در

۱- کلیات سعدی، ص ۴۵۱.

۲- همان، ص ۶۱۶، همچنین برای ملاحظه نمونه‌ها و شواهد بیشتر رجوع کنید به صفحات ۶۶۱ و ۶۷۴.

۳- بوعلی قلندر، کلام قلندری، ص ۱۰۰؛ نیز صفحات ۱۲۱ و ۱۲۷.

بعضی سیاحات به دیار مغرب رسیده است و آنجا از دست یکی از مشایخ که نسبت وی به شیخ بزرگوار «محمی الدین بن العربی» می‌رسیده خرقة پوشیده است.<sup>۱</sup> شیرین مغربی دیوان کوچکی دارد که در بمبئی چاپ سنگی شده است. بیشتر قالب شعری دیوان او را غزل تشکیل می‌دهد و موضوعات قلندری و عرفانی بخش قابل توجه آن را به خود اختصاص می‌دهد:

از خانقه و صومعه و مدرسه رستیم      در کوی مغان با می و معشوق نشستیم  
سجاده و تسبیح به یک سوی فکندیم      در خدمت ترسا بچه زَنار بستیم  
در مصطبه‌ها خرقة ناموس دریدیم      در میکده‌ها توبه سالوس شکستیم...<sup>۲</sup>

براساس بررسی‌های به عمل آمده تعدادی دیگر از غزلسرایان معروفی که اندیشه‌های قلندری در غزلیات آنها جلوه خاص دارد عبارتند از: احمد جام زنده پیل (۵۳۶-۴۴۰ ق)، عطار (۶۲۷-۵۵۳ ق)، خاقانی (۵۲۰-۵۹۵ ق)، فخرالدین عراقی (۶۸۶-۶۱۰ ق)، امیر خسرو دهلوی (۷۲۵-۶۵۱ ق)، اوحدی مراغه‌ای (۷۳۸-۶۷۳ ق)، خواجوی کرمانی (۷۵۰-۶۸۹ ق)، عبید زاکانی (۷۷۲-۷۶۸ ق)، سلمان ساوجی (۷۷۸-۷۰۹ ق)، شاه نعمت الله ولی کرمانی (۸۳۴-۷۳۱ ق)، خواجه حافظ شیرازی (۷۹۲-۷۲۷ ق).

«قصیده» بعد از غزل دومین قالبی است که موضوعات و مضامین قلندری در آن مطرح شده و مورد بحث قرار گرفته است. از نمونه‌های قصاید قلندری می‌توان به قصاید امیر معزی نیشابوری (م ۵۲۱ ق) خاقانی و حکیم سنایی غزنوی اشاره کرد، امیر معزی با آن که مشرب قلندری و عرفانی نداشته ولی تحت تأثیر این گونه مضامین و موضوعات قرار گرفته است:

اگر سرای لباساتیان خراباتست      مرامیان خراباتیان لباساتست  
میان شهر همه عاشقان خراب شدند      مگر نگارمن امروز در خراباتست  
مجوی زهد و خرابی کن و خراباتی      که عمر را ز خرابی همه عماراتست...<sup>۳</sup>

۱- نفحات الانس، ص ۶۱۰.

۲- دیوان اشعار شیرین مغربی، ص ۶۳.

۳- دیوان اشعار امیر معزی، ص ۱۲۸.

موضوعات و اندیشه‌های قلندری در قصاید حکیم سنایی در مقایسه با قصاید شاعران قرن‌های ششم و هفتم تجلی و ظهور بیشتری دارد؛ از نمونه قصاید قلندری او ست:

نخواهم من طریق و راه طامات مرا می‌باید و مسکن خرابات  
گهی با می‌گسارم انده خویش گهی با جام باشم در مناجات<sup>۱</sup>

از مجموع سیصد و ده قصیده موجود در دیوان حکیم سنایی، نود و شش قصیده او ۳۰/۹۶ درصد حاوی اندیشه‌های رندی و قلندری ناب است.<sup>۲</sup>

بعد از قصیده، قالب‌هایی که موضوعات قلندری در آن مطرح شده به ترتیب عبارتند از:

رباعی (ر.ک. خیام، صفحات ۶۶، ۷۶، ۷۸، ۸۳؛ و عطار، صفحات ۲۹۳ و ۲۹۴)

دوبیتی (ر.ک. باباطاهر همدانی، ص ۲۹)

ترکیب بند (ر.ک. سنایی، ص ۷۱۷)

مسمط (ر.ک. امیر معزی، ص ۷۶۸)

### ب - خصوصیات زبانی و واژگانی در اشعار قلندری

از جمله تحولاتی که در مقوله زبان و واژگان اشعار عرفانی با آن مواجه هستیم وجود فراوان «رمز و سمبل» است، چون هدف عرفان در حقیقت گذشتن از ظاهر و رسیدن به عمق و محتوای هر چیزی است این شیوه خواه نا خواه با گونه‌ای تأویل همراه خواهد بود. در قلمرو کاربرد واژه‌ها و کلمات نیز چنین عدولی را مشاهده می‌کنیم بسیاری از واژه‌های متداول در زبان فارسی مانند: می، ساغر، پیمان، مستی، میخانه، میکده، پیرمغان و... که در اشعار غیر عرفانی مشاهده می‌شود در معنی و جایگاه حقیقی خویش به کار می‌روند و مفهومی مجازی و رمزی ندارند حال آنکه در اشعار عرفانی این واژه‌ها و کلمات غالباً مفهومی رمزی به خود می‌گیرند و مفاهیم خاصی که مورد نظر متفکرین عارف بوده از آنها استنباط می‌شود. شعر قلندری واژگان و ترکیبات و زبان خاص خود را می‌طلبد و کاربرد برخی واژه‌ها و کلمات در آن از بسامد و درصد استعمال بیشتری برخوردار است این واژه‌ها عبارتند از: می، باده، پسر،

۱- دیوان اشعار سنایی، ص ۷۵.

۲- محتوای دوسوم قصاید حکیم سنایی را موضوعات عرفانی، زهدیات و قلندریات تشکیل می‌دهد و مابقی آن را مدح و وصف در برگرفته است.

عاشق، عشق، مست، مستی، بت، ساغر، ساقی، خرابات، شراب، نگار، معشوق، زَنار، خانگه، طامات، قلاش، میخانه، بتکده، مغ، کم زن، مغانه، خرابات، ترسابعه، ترسای.

پاره‌ای از مهمترین واژگان ترکیبی (اعم از اضافی و وصفی) که در اشعار قلندری کاربرد فراوان دارند عبارتند از: آتش قلاشی، بارملا، بازار پارسایی، بت عیار، بت قصاب، جمع خراباتیان، خاکپای کم زنان، خرابات قلندر، خرجه پوشان ریا، دلبر عیار، راه خرابات، رند خراباتی، رطل گران، رند میخانه، روش قلندر، ره کم زنان، زَنار مغانه، صف رندان، صف قلاشان، صف کم زنان، مقامران دغا، می مغانه، یار مقامر خراباتی، وکلاً ترکیباتی که با واژه‌های عشق، باده، می و خرابات ساخته می‌شود.

عناصر واژگانی اشعار قلندری تنها به مفردات و ترکیبات وصفی و اضافی محدود نمی‌شود بلکه عبارتهای فعلی و کنایات نیز بخش عمده‌ای از ساختار زبانی این گونه اشعار را تشکیل می‌دهد. براساس مطالعات و تحقیقات به عمل آمده در اشعار قلندری، پاره‌ای از مهمترین کنایات و عبارتهای فعلی به کار رفته در این گونه اشعار عبارتند از:

آب رخ را در باختن، آتش در چرخ و چنبر زدن، آتش قلاشی در ننگ و نام زدن، از بلا شاد زیستن، از بند عقل و عافیت جستن، از پارسایی باز رهیدن، از دام ملامت نجستن، از ره کم زنان نشان جستن، از شحنه بیم نداشتن، از صومعه و مدرسه کناره کردن، بازار پارسایی سست بودن، بازردشتیان دست در جام کردن، بامغان باده خوردن، به تون شدن، خواجگی را بر راه خاک افکندن، خود را لابلالی کردن، در کوی مقامری مقرر داشتن، در مغکده مقام داشتن، در میکده و مصطبه آرام گرفتن، ریا و طامات را از سر نهادن، زَنار مغانه بر میان بستن، سالوس طریقت را شکستن، سوی رطل و جام دست یازیدن، زَنار جاحدی را خریدن، عقل رعنا را سوزاندن، کم جان گرفتن، کم خویش گرفتن، نام به ننگ بدل شدن، نام رندی برتن خود درست کردن.

## ۲- موضوع و محتوا در اشعار قلندری

مهمترین موضوعاتی که در اشعار قلندری روی آن تاکید شده عبارتند از:

«ترک زرق و ریا» از محوری‌ترین موضوعاتی است که رکن اصلی تعلیمات قلندریه بر آن استوار است و تقریباً در اکثر اشعار قلندری بدان توجه خاصی شده:

بنهاد ز سر ری‌او طامّات از صومعه ناگهان برون جست<sup>۱</sup>  
چنان از خمر و زمر ونای و ناقوس نمی‌ترسم که از زهد ریایی<sup>۲</sup>

در شعر قلندری روی اعمالی تاکید شده که خلاف عرف و هنجارهای اجتماعی است. قلندریه خود را از قید کلیه آداب و رسوم که معمولاً در جامعه رعایت می‌شده آزاد می‌دانستند و هر گونه اصول و قوانین و قواعد دست و پاگیری را مانع سلوک راه خود می‌دانستند به همین دلیل موضوعات و مضامینی مانند لایبالی‌گری، خاکساری و نابکاری، قلاّشی، اوباشی در شعر قلندری فراوان به چشم می‌خورد:

در بزم قلندران قلاّش بنشین و شراب نوش و خوش باش  
تا ذوق می و خمار یایی باید که شوی تو نیز قلاّش  
در صومعه چند خود پرستی؟ رو باده پرست شو چو اوباش<sup>۳</sup>

ترک پارسایی، رها کردن صومعه و رفتن به میکده و مغکده، کفر ورزی از جمله مضامین معروف اشعار قلندریست:

تسبیح بیفکندم و ناقوس خریدم سجّاده گرو کردم و زَنار خریدم<sup>۴</sup>

بنابراین مضمون «ترک صومعه و مسجد و رفتن به میکده و مغکده» در اشعار قلندری فراوان به کار رفته :

از خانقه و صومعه و مدرسه رستیم در کوی مغان با می و معشوق نشستیم  
سجّاده و تسبیح به یک سوی فکندیم در خدمت ترسا بچه زَنار بیستیم<sup>۵</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱- دیوان اشعار سنایی، ص ۸۲۳.

۲- کلیات سعدی، ص ۷۳۴.

۳- کلیات عراقی، ص ۲۱۵.

۴- دیوان اشعار خواجوی کرمانی، ص ۲۹۵.

۵- دیوان اشعار شیرین مغربی، ص ۶۳.

عدم دلبستگی به دنیا و زخارف آن و نیز ترک مقامات و مناصب دنیوی از جمله موضوعات مهم اشعار قلندریست. در قلندرنامه خطیب فارسی بیتی دائماً تکرار می‌شود که همین مفهوم را در بردارد:

بیا تا دست از این عالم بشویم      قلندر وار تکبیری بگـویم<sup>۱</sup>  
ما کلاه خواجهگی اکنون زسر بنهاده ایم      تا که در بند کله دوزی اسیر افتاده‌ایم<sup>۲</sup>

تعدادی از مضامینی که در اشعار قلندری وجود دارد بار مفهوم ملامتی دارد مانند: در بند نام و ننگ نبودن، خود را پی سپر خلق کردن، راه ملامت را بر خود گشودن، سنگ و سیلی خوردن، در ملاء عام باده خوردن، سلامت و عافیت را ترک گفتن، خود را به دیوانگی زدن، خراباتی بودن، تکدی و گدایی کردن:

من خراباتیم و باده پرست      در خرابات مغان باده به دست<sup>۳</sup>

پایندی به قناعت الفبای اعتقادی قلندران را تشکیل می‌دهد، به این موضوع نیز در اشعار قلندری به کرات اشاره شده، از جمله در قلندرنامه خطیب فارسی درباره قناعت و ارتباط آن با فقر حقیقی آمده:

نهادند اولین حرفی از آن قاف      که هر کس کو ازین معنی زند لاف  
قناعت باید آنکس رابه غایت      که این معنیست واجب در بدایت  
هر آنکس کز قناعت نیست بویش      نزیبید لاف فقر از هیچ رویش<sup>۴</sup>

#### نتیجه:

از بررسی موارد فوق می‌توان نتیجه گرفت که ما با تنوع موضوعات و مضامین در اشعار قلندری و همچنین با تحول معنایی در بسیاری از اصطلاحات و کلمات مواجه هستیم؛ زیرا بسیاری از کلمات و اصطلاحات حوزه شریعت و تصوف مانند زهد، تسبیح، مسجد، سجاده،

۱- قلندرنامه، در اکثر صفحات.

۲- دیوان اشعار سنایی، ص ۹۴۹.

۳- دیوان اشعار سلمان ساوجی، ص ۵۹.

۴- قلندرنامه، ص ۸۳.

پارسا، زاهدو... که معمولاً نزد اهل شرع از احترام و حرمت خاصی برخوردارند در اشعار قلندری تغییر معنا داده و بار معنی منفی به خود می‌گیرد و بالعکس کلمات و واژه‌هایی مانند شراب، میکده، مغ، ترسا، زَنار، میخانه، خرابات، بت، بتخانه، جام، ساغر، رند، دیر و... که نزد اهل شرع مطرود است حرمت پیدا نموده و دارای بار معنایی مثبت می‌شود مسلماً علت این امر را باید در زمینه‌های اجتماعی سراغ گرفت، مبارزه منفی با ریا و تزویر به صورت گسترده موجب گردید که مظاهری که اسباب فریبکاری و تزویر بوده به صراحت در شعر قلندری به باد استهزاء گرفته شود.

نکته قابل توجه دیگر آن که تفکر رندی و قلندری تنها در تعالی و کمال شعر فارسی به خصوص شعر عرفانی نقش بسزایی نداشته بلکه این نوع شعر در قلمرو اصطلاحات، ترکیبات، کنایات و کاربردهای زبانی و بیانی نیز موجب غنای ادب عرفانی شده. وجود اصطلاحات رمزی و سمبل‌های فراوان را نباید از نظر دور داشت اصطلاحات و کلماتی مانند بت، زَنار، خرابات، شراب و... جملگی دارای معانی مجازی هستند که پاره‌ای از آنها به وسیله شعر قلندری وارد قلمرو ادب فارسی شده است.



## منابع و مأخذ

- ۱- امیر معزی نیشابوری، محمّد بن عبدالملک، دیوان امیر معزی، تصحیح دکتر عباس اقبال آشتیانی، ۱۳۱۸، تهران، انتشارات علمیه اسلامی.
- ۲- برتلس، یوگنی ادوارد ویچ، تصوّف و ادبیات تصوّف، ترجمه سرویس ایزدی، ۱۳۵۹، چاپ اول، تهران، انتشارات، امیر کبیر.
- ۳- بوعلی قلندر، خواجه شرف الدین، کلام قلندری، بی تا، حیدرآباد دکن، چاپ سنگی.
- ۴- تهانوی، محمد علی، کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، تصحیح دکتر علی دحروج و دکتر رفیق العجم، ۱۹۹۶، چاپ اول، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
- ۵- جامی، نورالدین عبدالرحمن، نفحات الانس فی حضرات القدس، تصحیح دکتر محمود عابدی، ۱۳۷۰، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۶- خطیب فارسی، قلندرنامه، تصحیح دکتر حمید زرین کوب، ۱۳۶۲، چاپ اول، تهران، انتشارات توس.
- ۷- خواجوی کرمانی، ابوالعطاء کمال الدین محمود، دیوان خواجوی کرمانی، تصحیح سعید قانع، ۱۳۷۴، چاپ اول، تهران، انتشارات بهزاد.
- ۸- خیّام نیشابوری، عمر، رباعیات حکیم عمر خیّام، تصحیح محمّد علی فروغی و دکتر قاسم غنی، ۱۳۷۹، چاپ سوّم، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۹- دو بروین، یوهانس پیتر، شعر صوفیانه فارسی، ترجمه دکتر مجدالدین کیوانی، ۱۳۷۸، چاپ اول، تهران، نشر مرکز.
- ۱۰- رازی، نجم الدین ابوبکر، مرصادالعباد، تصحیح دکتر محمّد امین ریاحی، ۱۳۷۱، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۱- زرین کوب، عبدالحسین، جستجو در تصوّف ایران، ۱۳۶۹، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۱۲- سعدی شیرازی، مصلح الدین، کلیات سعدی، تصحیح محمّد علی فروغی، ۱۳۶۸، چاپ سوّم، تهران، انتشارات ققنوس.
- ۱۳- سلمان ساوجی، جمال الدین، دیوان ملک الشعراء سلمان ساوجی، تصحیح منصور مشفق، ۱۳۶۷، چاپ دوّم، تهران، انتشارات صفی علیشاه.



- ۱۴- سنایی غزنوی، حکیم ابوالمجد مجدودین آدم، دیوان حکیم سنایی غزنوی، تصحیح سید محمد تقی مدرس رضوی، ۱۳۵۴، تهران انتشارات سنایی.
- ۱۵- سهروردی، شیخ شهاب الدین، عوارف المعارف، ترجمه ابومنصور عبدالمؤمن اصفهانی، تصحیح دکتر قاسم انصاری، ۱۳۶۴، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۶- شیرین شمس مغربی، محمد، دیوان شمس مغربی، ۱۳۰۵، بمبئی، چاپ سنگی.
- ۱۷- عراقی همدانی، شیخ فخرالدین، کلیات عراقی، تصحیح سعید نفیسی، ۱۳۷۰، چاپ ششم، تهران، انتشارات سنایی.
- ۱۸- عطّار نیشابوری، فرید الدین محمد، مختارنامه، تصحیح دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵، چاپ دوم، تهران، انتشارات سخن.
- ۱۹- عقیفی، ابوالعلاء، الملامتیه و الصوفیه و اهل الفتوه، ترجمه مهدی تدّین، ۱۳۷۲، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۰- فروزانفر، بدیع الزمان، شرح مثنوی شریف، ۱۳۶۷، چاپ چهارم، تهران، انتشارات زوّار.
- ۲۱- کاشانی، عزالدین محمود بن علی، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، تصحیح استاد جلال الدین همایی، ۱۳۷۴، چاپ دوم، تهران، انتشارات سنایی.
- ۲۲- منّورمیهنی، محمد، اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید، تصحیح دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶، چاپ اول، تهران، انتشارات آگاه.
- ۲۳- مولوی بلخی، مولانا جلال الدین محمد، کلیات شمس، تصحیح استاد بدیع الزمان فروزانفر، ۱۳۵۵، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۲۴- همدانی، باباطاهر، دیوان باباطاهر، تصحیح حسن وحید دستگردی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴، تهران، انتشارات ابن سینا.